

خبر

«تهرانی‌ها» و «شرط‌بندی روی اسب مسابقه»

۲ کتاب تازه از امیرحسین خورشیدفر

هزارویک شب مدرن

● **شرق:** در روزهای اخیر دو کتاب تازه از امیرحسین خورشیدفر، نویسنده و منتقد ادبی منتشر می‌شود. یکی، مجموعه‌داستان «شرط‌بندی روی اسب مسابقه» و قصه‌های دیگر» در نشر ثالث که چندروزی است چاپ شده و دیگری رمان «تهرانی‌ها» در نشر مرکز که آماده انتشار است. خورشیدفر حدود یک دهه پیش با مجموعه‌داستان «زندگی مطابق خواسته تو پیش می‌رود» به‌عنوان نویسنده‌ای متفاوت در حوزه داستان کوتاه شناخته شد. شخصیت اصلی تمام قصه‌های مجموعه «شرط‌بندی روی اسب مسابقه» به‌گفته خورشیدفر «یک معلم نقاشی است به اسم شاپور صبری.» او دراین‌باره به خبرنگاری «مهر» گفت: «ایین مجموعه از این نظر تجربه کم‌سابقه (نه بی‌سابقه) در داستان‌نویسی فارسی است اما در ادبیات جهان به‌جز ادبیات کارآگاهی نمونه‌های مشهوری مثل قصه‌های مارکو والِدو و آقای پالومار هردو از ایتالو کالوینو را می‌شناسیم یا ناخن از لئونارد مایکلز؛» به‌همین‌خاطر قصه‌های این مجموعه اگر پشت‌سرهم خوانده شوند، تسلسل معنایی آنها بهتر درک می‌شود. او همچنین خبر از چاپ نخستین «تهرانی‌ها» ظرف یکی دو هفته اخیر می‌دهد. نخستین رمان خورشیدفر در چهارسال نوشته شده ۴۶۰ صفحه است. در مورد مضمون و فضای آن نیز نویسنده به این بسته می‌کند که «ماجرای رمان، ۱۵،۱۰ سال قبل از قصه‌های مجموعه‌داستان قبلی من روی می‌دهد و شخصیت شاپور صبری یکی از شخصیت‌های اصلی رمان است.» شاید ازاین‌روست که انتشار هم‌زمان این دو کتاب خواسته و ناخواسته، معنای دیگری پیدا می‌کند. گویا رمان «تهرانی‌ها»، روایت سرپرست یک گروه راک قبل از انقلاب است و رحمت حق‌وردی، انیماتوری که برای تحقق رؤیایش به ایران بازمی‌گردد.رویارویی از کاباره‌های لاله‌زار تا موزه هنرهای معاصر تهران، از عمق آسمان تا تصویر دوربین‌های نظارت... ادامه دارد و داستان پرفرازونشیبی را می‌سازد، مانند یک هزارویک شب مدرن.



شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۱۲ مرداد ۱۳۹۶ • ۱۰ ذیقعد ۱۴۳۸ • ۳ آگوست ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۲۷ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۶ • اذان صبح فردا ۴:۳۹ • طلوع آفتاب ۶:۱۵

روزنامه‌فرو



حرف درشت

خودروی نجومی!

پوریا عالمی: مهدی پازوکی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه، از چیزهایی در جامعه تعجب کرده که ما تعجب کردیم که چرا تعجب کرده و بعد هم آن چیزها را به خبرآلاین گفته که مجبوریم جامه بدریم و پاسخ او را بدھیم و حجت را بر همه تمام کنیم. «۲۴ میلیون نفر در ایران با درآمدی بیش از هشت میلیون تومان در ماه، سالانه ۱۳ هزار میلیارد تومان پول از دولت می‌گیرند».

خب این طبیعی است پدرجان.

۱) اگر این آدم‌ها از دولت ۱۳ هزار میلیارد تومان پول نمی‌گرفتند که درآمدشان هشت میلیون در ماه نبود!

۲) یکی باید پول دولت را بگیرد و مصرف کند یا نه؟ می‌دانید بودجه سالانه کشور چقدر است؟ ۱۳ هزار میلیارد که چیزی نیست.

۳) این‌بندگان خدا که مال دولت (و مال مردم) را می‌خورند، واقعا اگر مال مردم نباشد که بخورند از گرسنگی می‌میرند. واقعا گناه دارند. اینها کاملا مصرف‌کننده هستند و خودشان بلد نیستند از بازار آزاد و بخش خصوصی پول دربیاورند، به‌همین‌دلیل افتاده‌اند روی مال مردم.

«نبود شفافیت سبب شده است بخش خصوصی رقبای اصلی خود را نشناسد و در نتیجه امکان رقابت فعال و دقیقی را نداشته باشد».

این هم از آن حرف‌هاست‌ها، بخش خصوصی کجا بود؟ سرجمع صدا آقا‌زاده یا برادرزاده یا خواهرزاده مسئول واردات و صادرات هستند که اینها خیلی هم خصوصی نیستند و کاملا عمومی هستند، چون با رانت کار می‌کنند. همین آقا‌زاده‌ها و برادرزاده‌ها و باقی‌زاده‌ها برونَد و واردات و صادرات کشور تعطیل بشود خوب است؟ هان؟ همین را می‌خواهید؟

«ایران، بسیار گران اداره می‌شود».

مرد مؤمن، شارژ ساختمان خودتان را ضربدر تعداد واحدها کن بین ساختمان‌تان چقدر گران اداره می‌شود! بعد مساحت ساختمان‌تان را با مساحت ایران مقایسه کن ببین ایران اصلا هم گران اداره نمی‌شود. با این حرف مشخص شد شما اصلا تا الان مدیر ساختمان هم نبوده‌ای...

«قوه قضائیه می‌تواند هزینه مبادله در ایران را کاهش بدهد؛ مثلا در ژاپن چکی برگشت بخورد، ظرف دو ماه این چک در دادگاه‌ها تعیین تکلیف می‌شود، اما در ایران تعیین تکلیف چک برگشتی ممکن است تا دو سال هم به طول بینجامد».

شما چک برگشتی داری بده دست این شرخر که آشنای ماست، دوساعته پولش می‌کنه، چرا به قوه قضائیه گیر می‌دهی؟

«طبق بررسی‌ها، ۴۲ درصد از مستمری‌بگیران کمیته امداد، ۵۲ درصد از مستمری‌بگیران بهزیستی غیرنیازمند هستند».

شما ناراحتی یک سفرهای باز است و نشسته‌اند دارند با هم لقمه می‌گیرند؟ تازه این آثار نشان می‌دهد کشور نیازمند ندارد و برای اینکه ایران در جهان چشم نخورد، کمیته امداد و بهزیستی و اینا الکی آمار می‌دهند.

«متأسفانه دوهزار و ۵۰۰ نفر که تحت پوشش کمیته امداد هستند خودروهای گران‌قیمت بالاتر از صد میلیون تومان دارند».

شما واقعا حساسی‌ها، نشستی یک ماه این آمار را بالاوپایین کردی که چی؟ دوهزار و ۵۰۰ نفر توی کمیته امداد ماشین نجومی و صد میلیون‌تومانی دارند؟ آقا رو باش. شهردار پایتخت گفت املاک نجومی را داده به رفنگرها. چه عیبی دارد؟ چرا کمیته امداد ماشین ندهد به مستمندان؟ خلاصه الان اگر املاک، نجومی نباشد و حقوق نجومی نباشد و خودرو نجومی نباشد که اصلا نیازمند محسوب نمی‌شوی.



فریدون مجلسی

این روزها کمپینی هشداردهنده و حساس در فضای مجازی در چرخش است که نوع مطرح‌شدن آن می‌تواند مشکوک و مسئله‌آفرین باشد. در این کمپین اشاره شده «درحالی‌که خانواده‌های ایرانی روش تک‌فرزندی اختیار کرده‌اند، افغان‌هایی که به‌طور غیرقانونی به ایران آمده و بسیاری از آنان همراه با مسائل بهداشتی و فرهنگی، مرتکب جرائم بسیار شده‌اند و شمارشان با روند بسیار بالاتری هم افزایش می‌یابد و اکنون بی‌آنکه مالیات بپردازند، سطح درآمدی آشکار و پنهان خود را نیز بسیار افزایش داده‌اند، در عمل به‌طور خطرناکی ایران را به اشغال خود درآورده‌اند.» در این کمپین ضمن هشدار شدید «برای حفظ نوامیس و حفاظت از جان...» تقاضا شده است که «فکر عاجلی برای اخراج همه افغان‌ها بشود». نباید فراموش کرد که این روزها در داخل افغانستان تبلیغات ضدایرانی شدیدی از سوی عناصر تحت نفوذ عربستان و عناصر طالبانی و تندروهای پاکستان انجام می‌شود و چیزی که زمینه‌ساز جدی‌گرفتن این هشدار مشکوک می‌شود، این است که واکنش برخی از افغان‌ها در آن کشور در برابر اقدام یا سخنی از سوی ایران که نمی‌پسندند، با نوعی بستانکاری و ناسزاگویی همراه است. گویی آنچه ایران تاکنون و در زمان‌های نیازمندی برای آوارگان این کشور همسایه

سلام به فردا

کمپینی تفکربرانگیز

قاطع شود باید ریشه قاچاق مخرب و منابع مالی آنان را خشک‌اند. بازگرداندن افغان‌های آواره باید به همان صورتی که سایر کشورها با این‌گونه مهاجرت‌ها مقابله می‌کنند، به‌طور محترمانه و تدریجی انجام شود، تا بهانه برای خصومت بعدی و بستانکاری‌های سرکشانه به دست ندهد. باید به کسانی که با سهل‌انگاری موجب تسهیل هجوم سیل‌آسا و روزافزون آنان به ایران می‌شوند و در برخورد با کارفرمایی که موجب تشویق مهاجران قاچاقی می‌شوند، برخورد شدید انضباطی شود. مدرسه حق فرزندان افغان‌ها و دیگر بیگانگانی است که در ایران به سر می‌برند، اما بازگرداندن مکرر و پیوسته عبورکنندگان غیرقانونی از مرز نیز حق کشوری است که قوانینش نقض شده است. انتظار می‌رود هم‌وطنان عزیز، تحت‌تأثیر این‌گونه کمپین‌های حاد که رنگ و بوی نوعی مجازات جمعی دارد، از واکنش خشمگینانه خودداری کنند و احترام و حقوق انسانی زحمت‌کشانی را که در زمان جنگ و خشونت داخلی به ناچار به ایران پناه آورده و با زحمت و کمک به سازندگی این کشور نانی به کف آورده‌اند، در نظر داشته باشند. خصوصا به برخی مسئولان دولتی افغانستان که این روزها شاهد سخنان غیردوستانه و ناسیاسانه از سوی آنان بوده‌ایم نیز باید هشدار داد که بیشتر درصد ایجاد آرامش در کشورشان باشند و در تقاطعی در کنار مرز اردوگاه‌های مناسبی برای نگاهداری کسانی که به‌طور غیرقانونی از مرز عبور کرده و بازگردانده خواهند شد، ایجاد کنند.

یاد آر

برای چهارمین سالگرد غیاب شیرکو بی‌کس

فروریختن قلعه شعر

چنان دامنه خیالش، سیال و وسیع است که شاعر، یارای مقابله با تیلو واژگان و هجوم کلمه و کلام ذهنش را ندارد و شعرش چون رودی جاری می‌شود. می‌توان گفت که این شیران درونی شعر، به‌صورت ناخودآگاه در زبانش فوران می‌کند. شاید ازاین‌روست که رمان‌شعرهای شیرکو، مونولوگ‌محورند و تک‌گویی‌های شاعری هستند که روایتگر تاریخ مردم سرزمینش با همه فرازونشیب‌های آن است، اما این تک‌گویی، خودمحورانه و خالی از دیالوگ نیست، بلکه پژواک صدای مردمش است. اتفاقا در روایت، به شخصیت‌هایی پرافت‌وخیز برمی‌خوریم که رنگی دراماتیک به شعرش می‌دهند و همین خصیصه، یکی از نقطه‌اشتراکات رمان شعرهایش با مقوله رمان شده است. عمده کار او، قضاسازی‌های موزاری برای رسیدن به یک اتفاق و نتیجه‌گیری نهایی شاعرانه است و گویا شعر در آن لحظه اتفاق می‌افتد. شیرکو بی‌کس را می‌توان ملی‌ترین شاعر گُرد دانست، چراکه از منظر و افق دیدی وسیع، به جوانب فرهنگی و تاریخی کردها نظر دارد و تمام عناصر فرهنگی و اجتماعی و تاریخی کردها در آغوش شعرهایش آرمیده‌اند. شیرکو در دامن شعر به فراسوی پیرامونش رفته، اما باهایش را از زمین برنمی‌دارد. کلامش مشحون از زندگی است با همه مواهب و مصیبت‌هایش. فریاد و خوشی‌میرا از خشونت هم در شعرش موج می‌زند که خاستگاه آن اعتراض با زبان و بیانی همدلانه است. شیرکو در شعری به‌نام «خرین رنگ» چنین سرسود: رنگ مرگ/ آخرین رنگ این رنگدان و/ از رنگ‌های تماشای من است/ در نهان/ رنگی چشم به راه من است/ رنگی که ترکیبی از گل و سراب و فراموشی و نهان‌بودن خداوند است...

گزارش

تهران آماده تحلیف و تنفیذ می‌شود

ماشین‌های دیپلماتیک است و طبیعتا با کندی حرکت مواجه می‌شود. سازمان اتوبوس‌رانی هم تصمیم گرفته که در این روزها، خطوط شرکت واحد منتهی به میدان‌های بهارستان، هفت‌تیر، انقلاب و خراسان را با تغییراتی همراه کند. بعضی از نقاط شهر هم برای این شب‌ها آذین‌بندی شده‌اند. میراث فرهنگی قول داده مرمت برخی از بناهای مهم تهران را به اتمام برساند و با نورپردازی آنها، میهمانان خارجی را شوکه کند. قرار است، ارکستر سمفونیک دفتر موسیقی و سرود سازمان صداوسیما با حضور جمع کثیری از هنرمندان به رهبری سهراب کاشف، سرود ملی جمهوری اسلامی ایران را اجرا کند. خیابان ۳۰تیر هم که خیابانی قدیمی و نزدیک به مسیر تردد میهمان‌هاست، برای این دو روز، برنامه‌های ویژه‌ای در قالب سرو غذاهای سنتی ایرانی، دک‌های و فست‌فود دارد. ورود ۱۹ رئیس مجلس، ۱۶ نخست‌وزیر و معاون‌اول و تعدادی از وزرای کشور‌های مختلف، محدودیت‌های دیگری را هم برای تهران و تهرانی‌ها به همراه دارد. شاید به شکل سال‌های قبل که کنفرانس‌های بین‌المللی در تهران برگزار می‌شد، اندکی از کارتن‌خواب‌ها و کودکان کار برای چند روزی در خیابان‌ها دیده نشوند و شاید هم مجبور باشیمد ساعت‌ها در ترافیک منتهی به میدان‌های ولیعصر، فردوسی، ونک، بهارستان، تجریش، فرمانیه و... بمانید؛ اما یادتان نرود که با وجود تعطیلی، طرح‌های ترافیکی تهران در روز شنبه سر جای خود باقی است و دوربین‌ها شماره پلاک ماشین‌های متخلف را ثبت می‌کنند. در این میان به نظر می‌رسد کمتر خبری از همکاری شهرداری و استفاده از ترزینات شهری است.

شرق: مراسم تنفیذ روز پنجشنبه در حسینیه امام خمینی و به میزبانی رهبر معظم انقلاب برگزار می‌شود و روز شنبه، مراسم تحلیف در مجلس شورای اسلامی و به میزبانی قوه مقننه، شاید به همین‌خاطر است که تمهیدات ترافیکی جدی‌ای در پایتخت شروع شده که در این دو روز، به اوج خود می‌رسد. تهران در روز شنبه تعطیل است؛ اما اگر برنامه سفری دارید، به جای هواپیما دنبال وسیله‌ای دیگر باشید؛ چراکه تعداد بالای پروازهای میهمانان مراسم تحلیف (رفت و برگشت) و البته استمرار پرواز حجاج، قیمت بلیت‌ها را به‌شدت گران کرده و این احتمال هست که پروازها با تأخیر همراه باشند. مراسم تنفیذ حکم و تحلیف ریاست جمهوری به صورت زنده و مستقیم از شبکه‌های یک و خبر سیما و شبکه‌های رادیویی فرهنگ، تهران، ایران و گفت‌وگو پخش می‌شود. پروازهایی که طبق اخبار قرار است در فرودگاه مهرآباد به‌جای فرودگاه امام خمینی بر زمین بنشینند؛ یعنی بیش از ۲۰ هیت از مجموع ۱۲۰ هیتی که قرار است در این مراسم شرکت کنند، هواپیماهایشان در این محل فرود می‌آیند. سازمان میراث فرهنگی، برای برگزاری بهتر این مراسم، تصمیم گرفته در پاونیون جمهوری اسلامی این فرودگاه، آثار میراث فرهنگی و صنایع دستی کشور را در معرض دیدن میهمانان قرار دهد. هرچند این طرح از یک ماه پیش آغاز شده و حالا بیش از صد اثر ایرانی در بیش از ۴۰ ویترین قرار گرفته‌اند و ورودی‌ها با فرش‌های ایرانی ویژه‌ای تزئین شده است. ترافیک تهران هم در این دو روز قطعا بیشتر خواهد شد؛ چراکه مسیرهای منتهی به حسینیه امام خمینی و مجلس محل عبورمورور،